

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۷

## اثبات مهدویت در قرآن از منظر تطبیق اهداف و غایات قرآنی بر اهداف حکومت امام مهدی علیه السلام

محمد مهدی حائری پور<sup>۱</sup>

### چکیده

قرآن کریم به عنوان سند بین الملل اسلامی، مورد توجه و استناد همه فرق اسلامی است و مهدویت که اعتقاد مشترک مذاهب اسلامی است نه تنها در روایات مشترک فریقین که ریشه در آیات متعدد قرآن دارد؛ زیرا قرآن کریم خود را به عنوان «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) معرفی کرده است یعنی همه آن چه در مسیر هدایت مورد نیاز بشر است در این کتاب آسمانی بیان شده است البته در این که این بیان الهی در چه قالب و شکلی آمده است، باید تأمل کرد؛ زیرا روشن است که بسیاری از معارف الهی در ظاهر الفاظ و عبارات قرآنی نیامده است و ناگزیر باید در مکانیزم دیگری هم چون تبیین در قالب اهداف بعثت انبیاء و غایت خلقت انسان، آن را جست و جو کرد؛ چنان که بحث مهدویت و آینده جهان در همین فرآیند بیان شده و با این رویکرد، بسیاری از آیات منعکس کننده مهدویت است و بدون آن نمی توان تحقق بیرونی آن دسته از آیات را انتظار داشت؛ امری که روایات فراوان و گفتار مفسران شیعه و سنی شاهد بر آن است. در این مقاله چگونگی طرح مهدویت و آینده جهان در قرآن کریم، مورد کنکاش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

مهدویت، آینده جهان، اهداف انبیاء، حکومت جهانی، عدالت خواهی.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم (mm.haeri313@gmail.com).

از سویی قرآن کتاب جامع و کاملی است که در مسیر هدایت بشر از هیچ نکته‌ای دریغ نکرده است و از همه ظرفیت انسان و عالم وجود برای هدایت بشر به سوی سعادت نهایی او بهره گرفته است و از سوی دیگر با بیان تاریخ گذشتگان و عبرت‌گیری درست و به جا از حوادث پیشینیان و نیز توجه دادن به عاقبت و پایان کار مؤمنان و کافران، راه رسیدن انسان‌ها به سعادت ابدی را هموار کرده است. به عبارت دیگر قرآن کریم کتابی است که هم تاریخ گذشته را بیان کرده و هم چشم‌انداز آینده را به روشنی ترسیم کرده است؛ زیرا تحلیل درست از گذشته تاریخ بشر و برنامه‌ریزی صحیح برای آینده جهان، می‌تواند انسان را در راه رسیدن به هدف خلقت که همانا رشد و کمال و قرب اوست، یاری کند؛ ولی در این جا سؤالی اساسی مطرح می‌شود که آیا زبان قرآن در تبیین تاریخ گذشته و ترسیم آینده جهان یکسان است و یا متفاوت؟ پاسخ درست به این سؤال می‌تواند راه محققان را در فهم مفاهیم قرآنی هموار کند.

با مطالعه دقیق در آیات قرآن معلوم می‌شود که شیوه قرآن در تبیین و توضیح تاریخ گذشته، بیان مصادیق کلی و جزئی است که این شیوه، مطابق فرمول و قواعد بشری نیز هست ولی آن‌گاه که به آینده جهان و فرجام حیات انسان می‌پردازد به جای ذکر مصادیق جزئی به بیان سنت‌ها و نیز اهداف الهی از آفرینش و غایت‌ها و نتایج آن می‌پردازد و از مجموعه این فرآیند، تصویر روشنی از آینده به دست می‌دهد. با این دریافت از قرآن می‌توان مسائل مهم و سرنوشت‌ساز را در قرآن جست‌وجو کرده و پیدا کرد؛ زیرا قرآن مطابق آیاتش، بیان‌کننده هرچیزی است<sup>۱</sup> و هیچ امر مهمی را فروگذار نکرده است.<sup>۲</sup>

با توضیح بالا می‌توان ادعا کرد مسئله مهدویت که فصل مشترک اعتقاد مذاهب اسلامی و چشم‌انداز روشن بشر در همه ادیان الهی و بلکه مهم‌ترین آرمان‌های انسانی است و عاقبت نیک مؤمنان در این عالم و فرجام بد کافران و مشرکان را رقم خواهد زد، نمی‌تواند از منظر قرآن دورمانده باشد و برخلاف ادعای برخی از مخالفان شیعه، این مسئله در جای جای آیات قرآن بیان گردیده است؛ البته نه با تعیین مصداق و تصریح به نام موعود اسلام که با تعریف و تبیین

۱. قال الله تعالى: ﴿... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ...﴾ (نحل: ۸۹)؛ ... و بر تو این کتاب را نازل کردیم که روشنگر هر چیز است....

۲. قال الله تعالى: ﴿... مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...﴾ (انعام: ۳۸)؛ ... ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم....

روشن سنت‌ها و اهداف الهی.

بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که قرآن کریم در تبیین معارف از شیوه‌های گوناگون استفاده کرده است که برخی از آنها به این شرح است:

۱. بیان مصداق و تصریح به نام؛<sup>۱</sup>

۲. بیان مصداق با توجه به اوصاف و ویژگی‌ها؛<sup>۲</sup>

۳. بیان سنن و قواعد کلی زندگی انسان و غایت جهان.<sup>۳</sup>

طرح مسئله مهدویت در قرآن بیشتر به گونه دوم و سوم باز می‌گردد<sup>۴</sup> و به‌ویژه در روش سوم اگر مهدویت را از نظر اهداف و نتایج مورد مطالعه دقیق قرار دهیم، در می‌یابیم که اهداف بزرگ انبیاء در قرآن که عبودیت و بندگی انسان‌ها و عدالت همه‌جانبه و همگانی است و نیز آرزوهای بلند و مبتنی بر فطرت انسان‌ها و وعده‌های حتمی و قطعی خدا و سنت او مبنی بر نجات انسان از ظلم و بی‌عدالتی و همچنین وعده حاکمیت فراگیر اسلام و جهانی شدن آن، هماهنگ با مبانی نظری مهدویت و پیش‌گویی‌های قطعی در این حوزه است و به تعبیر دیگر مطالعه و دقت در آیات قرآن در موضوعاتی مانند اهداف انبیاء و مطالبات فطری بشر و عاقبت مؤمنان و مظلومان و سرنوشت نهایی اسلام و مسلمین که در آیات قرآنی منعکس گردیده، همه و همه تنها در پرتو عقیده مهدویت، قابلیت تحقق و اجرا دارد و بدون آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

### مهدویت قرآنی ثمره اهداف انبیاء

در قرآن کریم برای بعثت انبیاء الهی، اهدافی بیان گردیده است و از سوی دیگر در روایات

۱. مانند: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...﴾ (فتح: ۲۸) که در این آیه با تصریح به نام پیامبر از او به عنوان پیامبر خدا یاد شده است.

۲. مانند: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده: ۵۵) که در این آیه پس از تصریح به ولایت خدا و رسول او از ولایت علی علیه السلام با توصیف آن حضرت یاد شده است بدون این‌که نامی از ایشان برده شود. مفسران و متکلمان شیعه و سنی اجماع دارند که این آیه در شان امام علی علیه السلام نازل شده است.

۳. مانند: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵) که در این آیه از سنت الهی مبنی بر حاکمیت صالحان بر زمین در آینده جهان خبر داده است.

۴. البته برخی از عالمان و محققان معتقدند که آیاتی مانند آیه ۵۵ سوره نوره صراحت درباره مهدویت و امام مهدی علیه السلام است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ذیل همان آیه)

فریقین<sup>۱</sup> برای قیام و انقلاب مهدی در آخرالزمان نیز اهدافی بیان شده است و دقت در این موضوع و بررسی تطبیقی آن، هماهنگی کامل قرآن و مهدویت را در اهداف و آرمان‌ها می‌رساند و این مسئله مهم را اثبات می‌کند که مهدویت گرفته شده از فرهنگ اصیل قرآنی و اسلامی است و آن چه قرآن به عنوان اهداف کلان بعثت انبیاء، معرفی کرده است تنها با حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ قابل تحقق است و بدون آن ممکن نخواهد بود. پس تبیین اهداف انبیاء در قرآن، به نوعی ترسیم حکومت جهانی مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ است زیرا تحقق بیرونی آن اهداف و آرمان‌ها، تنها در گرو یک حکومت عادلانه جهانی است.

قرآن کریم در بیان اهداف انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر دو محور عدالت و عبودیت انسان تأکید می‌کند که در این مجال به بررسی آنها و هماهنگی آن اهداف با اهداف حکومت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ می‌پردازیم.

### قرآن و عدالت خواهی

قرآن کریم درباره عدل و عدالت و اهمیت و آثار آن، آیات متعددی دارد و در سطوح مختلف فردی و اجتماعی بر آن تأکید کرده و آن را مطالبه کرده است. در جایی با صراحت می‌گوید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾<sup>۲</sup>

و در جای دیگر همگان را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾<sup>۳</sup>

این‌که خداوند به عدالت به نحو مطلق امر می‌کند، به معنی آن است که در همه موارد و از همگان عدالت را مطالبه می‌کند و به کوتاهی درباره آن راضی نیست؛ چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به عنوان حجت بزرگ الهی و هدایت‌گر بشر و نمونه کامل انسانی، مأمور به عدالت و اجرای آن در اجتماع است<sup>۴</sup> تا پس از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، همه انسان‌ها در پرتو تعالیم آسمانی به دنبال اجرای

۱. در ادامه مقاله به نمونه‌هایی از این روایات اشاره خواهد شد.

۲. همانا خداوند (مردم را) به عدل و احسان و دادن (حق) خویشاوندان، فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز، نهی می‌فرماید او شما را موعظه می‌کند باشد که متذکر شوید. (نحل: ۹۰)

۳. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیکتر است و از خداوند پروا کنید که همانا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (مائده: ۸).

۴. قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿...وَأَسْتَقِيمُ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ...﴾ (شوری: ۱۵) ... و آن چنان‌که مامور شده‌ای استقامت نما، و از هوا و هوس‌های آنان پیروی

عدالت باشند و هدف و غایت ارسال رسل و انزال کتب آسمانی تحقق یابد و همه برای اجرای عدالت قیام کنند؛ چنان که همه پیامبران خداوند مأمور به اجرای عدالت اجتماعی بودند.<sup>۱</sup> البته این عدالت خواهی قرآن محدود به اجتماع نبوده بلکه حتی حوزه‌های کوچک مانند خانه و خانواده را نیز شامل می‌شود.<sup>۲</sup>

بنابراین به تصریح قرآن، سلسله نورانی پیامبران الهی با هدف اجرای عدالت در سطوح مختلف زندگی بشر، مبعوث شده‌اند؛ یعنی برای تحقق عدالت فکری و اعتقادی و پرهیز دادن مردم از شرک در عبادت و نیز برای تحقق عدالت اخلاقی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها و انحرافات رفتاری و نیز برای تحقق عدالت اجتماعی و رفع ظلم و ستم در جامعه بشری و نجات مظلومان و هم‌چنین برای تحقق عدالت سیاسی و حکومت شایستگان و در یک کلمه تحقق عدالت در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی؛ ولی تاریخ انبیاء شاهد است که به دلایل مختلف، پیامبران الهی از تحقق بخشیدن کامل این هدف بازماندند به طوری که هم‌چنان ظلم و بی‌عدالتی در جوامع بشری حکم فرماست؛ این در حالی است که بشر به لحاظ فطری خواهان عدالت و دوست‌دار آن است و براساس حکمت الهی باید پاسخی برای این خواسته درونی و فطری خود بیابد و آن را تجربه کند؛ البته در ظرف مناسب و اجتماع شرایط لازم.

### مهدویت تحقق بخش عدالت خواهی قرآن

به گواهی روایات متواتر از فریقین، در چشم‌انداز آینده جهان، تحقق عدالت جهانی، قطعی و حتمی است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاک او از روزگاری خبر داده‌اند که عدالت همه زمین را پر خواهد کرد و آن در زمان ظهور مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است.<sup>۳</sup> به بیان دیگر به اعتقاد

۱. مکن، و بگو: به هر کتابی که از سوی خدا نازل شده ایمان آورده‌ام، و مامورم در میان شما عدالت کنم...  
۱. قرآن می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حدید: ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، و منافعی برای مردم، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کنند بی‌آن‌که او را ببینند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

۲. قرآن می‌فرماید: ﴿...فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَتَّعَلُوا﴾. (نساء: ۳) و با زنان پاک (دیگر) ازدواج کنید، دو یا سه یا چهار همسر، و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید تنها به یک همسر قناعت نمائید و یا از زنانی که مالک آنها هستید استفاده کنید. این کار بهتر از ظلم و ستم، جلوگیری می‌کند...

۳. در کتاب منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر جلد اول، روایات فراوانی از منابع عامه (مسند البزار: ج ۱، ص ۲۸۱-۲۸۰ علی

مسلمین در چشم‌انداز آینده اسلام حکومتی به پا خواهد شد که به تعبیر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به نقل متواتر فریقین «یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»<sup>۱</sup> یعنی با ظهور آن، حاکمیت عدالت حقیقی فراگیر خواهد شد و همه ابعاد زندگی بشر را در بر خواهد گرفت و به بیان دیگر در آن حکومت هدف بزرگ انبیاء تحقق عملی و عینی خواهد یافت. این حکومت همانا حکومت مهدی از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که در روایات متواتر شیعه و سنی از آن خبر داده شده است.<sup>۲</sup>

### مهدویت و عدالت دو روی یک سکه

روایات فراوانی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، مهدویت و عدالت را در کنار هم قرار داده است که برخی از آنها را می‌آوریم:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تبیین قطعیت ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَام با هدف اجرای عدالت در همه زمین فرموده‌اند:

اگر از عمر دنیا جز يك روز باقی نمانده باشد خدای متعال آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از خاندانم که همنام من است ظهور کند و دنیا را از عدل و داد پر کند همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۳</sup>

و نیز امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در معرفی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام اهداف او فرموده‌اند:

به طور حتم او (مهدی) فرمان‌روایان ظالم و جائز را برکنار می‌کند و زمین را از

ما في هامش الطبراني الكبير؛ صفة المهدي لأبي نعيم: علي ما في عقد الدرر؛ أربعون أبي نعيم: علي ما في كشف الغمّة؛ المعجم الكبير: ج ۱۰، ص ۱۶۸، ح ۱۰۲۲۹) از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است که مضمون آن‌ها بشارت به ظهور مهدی و عدالت جهانی در زمان اوست مانند روایت: «يخرج رجل من أمتي يواطىء اسمه اسمي، و خلقه خلقي، فيملؤها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». و نیز روایات فراوان دیگری در همین مورد در مجلدات بعدی این کتاب به ترتیب امامان از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام تا امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام نقل گردیده است که نمونه‌هایی از آن در متن آمده است.

۱. از منابع شیعه: الغيبة نعمانی، ص ۸۱؛ کمال‌الدین تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۲؛ امالی صدوق، ص ۳۶؛ الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۹؛ اعلام‌الوری باعلام‌الهدی، ص ۲۸۶ و...؛ نیز از منابع سنی: البیان فی اخبار صاحب‌الزمان، ص ۴۸۲؛ العرف‌الوردی فی اخبار‌المهدی، ص ۵۳؛ القول‌المختصر فی علامات‌المهدی المنتظر، ص ۴۱.

۲. احادیث‌المهدی من مسند احمد بن حنبل، ص ۵۶؛ عقد‌الدرر فی اخبار‌المنتظر، ص ۳۹؛ العرف‌الوردی فی اخبار‌المهدی، ص ۴۷؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰؛ کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۸۰؛ الغيبة طوسی، ص ۴۶ و...

۳. «لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». (مفید، ۱۳۷۲ ش: ج ۲، ص ۳۴۰)

گمراه‌کنندگان و خدعه‌کاران پاک می‌گرداند و به عدالت رفتار می‌کند و ترازوی عدل را برقرار می‌کند.<sup>۱</sup>

هم چنین امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در بیان فراگیری عدالت مهدوی فرموده‌اند:

چهارمین فرزند من زاده سرور کنیزان است، که خداوند به وسیله او زمین را از هر خلافی پاک کند و از هر ستمی منزه دارد و اوست همان کسی که مردم در ولادتش شك کنند و او است که پیش از خروجش غیبت دارد و چون خروج کند زمین به نور او درخشان گردد و ترازوی عدالت میان مردم بگذارد و هیچ‌کس به دیگری ستم نکند.<sup>۲</sup>

بنابراین هم اصل اجرای عدالت و هم حتمی بودن آن و هم کم و کیف آن و فراگیری آن نسبت به همه حوزه‌های زندگی بشر در روایات مهدویت آمده است که بیانگر این حقیقت است که قیام امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در ادامه بعثت انبیاء الهی و در پی‌گیری اهداف ایشان است و این حرکت از نظر غایت و هدف نهایی با آن چه قرآن به عنوان هدف بعثت انبیاء بیان کرده است، کاملاً هماهنگ است. بنابراین ادعای ما این است که قرآن کریم نه به تصریح که با توصیف مهدویت در قالب اهداف و انگیزه‌ها به بیان آن پرداخته است و به تعبیر دیگر همه رویکرد قرآن در مسئله عدالت خواهی خدا و مردم و نیز تبیین اهداف انبیاء در اجرای عدالت در جامعه بشری، به نوعی تبیین مهدویت به عنوان آینده موعود بشر است.

### قرآن و عبودیت انسان‌ها

قرآن کریم هدف مهم و اساسی دیگر برای بعثت انبیاء را، رساندن مردم به مقام عبودیت و بندگی خداوند بیان کرده است و در این زمینه آشکارا فرموده است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾<sup>۳</sup>

۱. «... وَ لِيَعْرِزْنَ عَنْكُمْ أَمْرَاءَ الْجَوْرِ وَ لِيُطَهَّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ وَ لِيَعْمَلَنَّ بِالْعَدْلِ وَ لِيَقُومَنَّ فِيكُمْ بِالْقِسَاسِ الْمُسْتَقِيمِ». (ابن میثم بحرانی، ۱۴۲۰ق: ج ۳، ۹)

۲. «... الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ يُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسَ فِي وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْعَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يُظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا». (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۷۱)

۳. و همانا ما در میان هراتمی پیامبری را برانگیختیم (تا به مردم بگویند) که خدا را بپرستید و از طاغوت (و هر معبودی جز خدا) دوری نمایید، پس گروهی از مردم کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده و بعضی از آنان گمراهی بر آنان سزاوار است، پس در زمین سیر و سفر کنید، تا ببینید که پایان کار تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟ (نحل: ۳۶)

این غایت بسیار مهم در آیات دیگری از قرآن نیز به عنوان سرفصل رسالت پیامبران بیان گردیده است.<sup>۱</sup> چنان‌که مطابق آیه شریفه: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) بندگی خداوند هدف نهایی و غایت اصلی خلقت است و به همین دلیل باید در نظام تشریع حق، برنامه روشنی برای تحقق کامل آن در نظر گرفته شده باشد و الا نقض غرض خواهد شد که از خداوند قبیح و محال است. به راستی بشر چگونه و در چه فرآیندی در مدار عبودیت الهی قرار خواهد گرفت؟ آیا با وجود موانع بزرگ اجتماعی در مسیر جریان عبودیت و بندگی مانند حکومت طاغوت‌ها، می‌توان چشم‌اندازی را دید که بشر به تحقق این آرمان بزرگ امیدوار گردد و با شوق و امید به سوی آن گام بردارد؟

با دنبال کردن این سؤال به این حقیقت ناب می‌رسیم که قرآن کریم در کنار دعوت به عبودیت، تحقق جامعه‌ای را وعده داده است که مؤمنان در آن حاکمیت داشته و از امنیت همه‌جانبه برخوردار خواهند بود و دین خداوند مستقر خواهد شد و در این حال، شرایط لازم و بستر مناسب، برای عبودیت مردمان فراهم خواهد شد:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۲</sup>

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی‌ترس‌شان امنیت را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند، و هر کس بعد از این، کفر ورزد پس آنان همان فاسقانند.

شاهد کلام، فراز پایانی آیه است که نتیجه این وعده‌های الهی را، تحقق عبودیت کامل و نفی هرگونه شرک از جامعه دانسته است یعنی با تشکیل حکومت مؤمنان و استقرار دین مرضی الهی و ایجاد امنیت فراگیر در زندگی مردم، مسیر عبودیت الهی به صورت کامل، هموار می‌گردد

۱. مانند: مائده: ۷۲؛ اعراف: ۵۹، ۶۵، ۷۳ و ۸۵؛ مؤمنون: ۲۳؛ عنکبوت: ۱۶.

۲. خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی‌ترس‌شان امنیت را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را شریک من نکنند... (نور: ۵۵)



و حجت بر همگان تمام گشته و جایی برای کفران، باقی نخواهد ماند. سؤال جدی این است که در این تشکیلات الهی، حاکم کیست و فرآیند حکومت چگونه خواهد بود که نتیجه آن تحقق جریان عبودیت و بندگی در جمعیت خواهد شد؟ در پاسخ باید گفت این آیه شریفه هم به جهت قرائن داخلی آیه<sup>۱</sup> و هم شواهد تاریخی<sup>۲</sup> و نیز روایات متعدد در ذیل آیه،<sup>۳</sup> بر حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه التریق و روزگار ظهور او تطبیق شده است و تأییدی است بر همین مطلب که اهداف حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه التریق با آن چه به عنوان وعده‌های الهی و نیز غایت آن - یعنی تحقق جریان عبودیت در آیه ۵۵ سوره مبارکه نور - مطرح شده است، هماهنگ است و همه مفاد آیه مذکور به عنوان نتایج و دستاوردهای حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه التریق در روایات فریقین بیان گردیده است و این نکته مهم را می‌رساند که جریان مهدویت در راستای شکل‌گیری جامعه مطلوب پیامبران خداست و مهدی عجل الله تعالی فرجه التریق براساس همان رسالت‌ها و مأموریت‌های انبیاء قیام خواهد کرد و منویات ایشان را عملی خواهد ساخت. برای نمونه چند روایت که هماهنگی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه التریق را با آیه مورد بحث، نشان می‌دهد می‌آوریم:

یک: از امام باقر علیه السلام روایت شده که درباره آیه **﴿الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾** (حج: ۴۱) فرمود:  
این آیه درباره آل محمد صلی الله علیه و آله است. خداوند مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را در اختیار مهدی

۱. مانند اشتمال آیه بر وعده الهی نسبت به حاکمیت مؤمنان و غلبه اسلام و امنیت مسلمانان که به معنی بشارتی نسبت به آینده است که تخلف از آن بر خداوند محال است؛ پس درحتمی بودن تحقق مفاد وعده الهی در آینده تردیدی باقی نمی‌گذارد.

۲. تاریخ اسلام از زمان حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه تا امروز روزگاری به خود ندیده است که هر سه وعده موجود در آیه تحقق یافته باشد. البته برخی از مفسران اهل سنت مانند فخر رازی ادعا کرده‌اند که مفاد وعده‌های الهی در آیه در زمان خلافت خلفای راشدین محقق شده است ولی این ادعا درست نیست زیرا نه اسلام در آن زمان فراگیر شد و نه نگرانی‌ها و خوف مسلمین مرتفع گردید چنان‌که در این روایت منعکس گردیده است: «... قَالَ الْمُفَضَّلُ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّ هَذِهِ التَّوَابِعَ تَزْعُمُ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ عليه السلام فَقَالَ لَا يَهْدِي اللَّهُ قُلُوبَ النَّاصِبَةِ مَتَى كَانَ الذِّبْنُ الَّذِي انْتَصَاهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مُتَمَكِّنًا بِانْتِشَارِ الْأَمْنِ فِي الْأُمَّةِ وَذَهَابِ الْخَوْفِ مِنْ قُلُوبِهَا وَانْتِفَاعِ الشَّلِكِ مِنْ صُدُورِهَا فِي عَهْدٍ وَاجِدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ وَ فِي عَهْدِ عَلِيِّ عليه السلام مَعَ ازْتِدَادِ الْمُسْلِمِينَ وَالْفِتَنِ الَّتِي تَتَوَزَّعُ فِي أَيَّامِهِمْ وَالْحُزُوبِ الَّتِي كَانَتْ تَنْشُبُ بَيْنَ الْكُفَّارِ وَبَيْنَهُمْ...» (صدوق: ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۵۶).

۳. مانند این روایت که مرحوم طبرسی آن را در ذیل همین آیه آورده است: عن علی بن الحسین علیه السلام أنه قال: هم والله شيعتنا أهل البيت، يفعل الله ذلك بهم على يدي رجل منا، وهو مهدئ هذه الأمة؛ وهو الذي قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لو لم يبق من الدنيا إلا يوم، لطول الله ذلك اليوم، حتى يلي رجل من عترتي اسمه اسمي يملأ الأرض قسطا وعدلا كما ملئت ظلما وجورا. (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۱۱۷)

و یاران او قرار می‌دهد و دین را [به دست او] چیره می‌سازد و خداوند به وسیله مهدی و یارانش همه [مظاهر] بدعت و باطل را می‌میراند، هم چنان که [پیش از آن] نابخردان حق را میرانده بودند به گونه‌ای که اثری از ظلم دیده نمی‌شود...<sup>۱</sup>

**دو:** و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود:

قائم ما یاری شده به رعب و ترس است... حکومتش شرق و غرب عالم را فراگیرد و خدای متعال به واسطه او دینش را بر همه ادیان چیره گرداند؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید...<sup>۲</sup>

**سه:** از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمود:

... خداوند به وسیله ما زمان سختی‌ها را برطرف می‌کند... و اگر قائم ما قیام کند آسمان باران می‌بارد... و کینه از دل‌های بندگان برود و درندگان و چهارپایان سازگاری کنند (و چنان گردد که) زنی بین عراق تا شام راه برود و قدم جز بر سبزه نگذارد و در حالی که زینت و زیورش را بر سر نهاده از سوی هیچ درنده‌ای تهدید نگردد (و در امنیت کامل باشد)...<sup>۳</sup>

**چهار:** از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که فرمود:

آن‌گاه که قائم عَلَيْهِ السَّلَام قیام کند، به عدالت حکم می‌کند و در ایام حکومت وی، ظلم و جور برداشته می‌شود و راه‌ها امنیت می‌یابد و زمین برکات خود را از درون، بیرون می‌آورد. و هر حقی به اهل آن برگردانده می‌شود و هیچ اهل دین و آئینی نمی‌ماند مگر این که اسلام را آشکار کرده و به ایمان اعتراف می‌کنند. آیا نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: و برای او تسلیم گردیده هر آن که در آسمان‌ها و در زمین است چه با رغبت و یا کراهت و به سوی او برگردانده می‌شوند.<sup>۴</sup>

در این روایات بر اموری هم چون حاکمیت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام بر همه زمین و فراگیر شدن دین

۱. عن أبي جعفر عَلَيْهِ السَّلَام في قوله عز وجل الذين إن مكناهم في الأرض أقاموا الصلاة وآتوا الزكاة وأمروا بالمعروف ونهوا عن المنكر ولله عاقبة الأمور قال: هذه لآل محمد، والمهدي وأصحابه يملكونهم الله تعالى مشارق الأرض ومغاربها، و يظهر الدين، ويميت الله عز وجل به وأصحابه البدع والباطل كما أمات السفهة الحق حتى لا يرى أثر من الظلم... (قمي، ۱۳۶۳ ش: ج ۲، ۷۸)

۲. عن مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّائِبِ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ الْقَائِمُ مِمَّا مَنُصَّرٌ بِالرُّعْبِ... يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ... (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۳۳۱)

۳. عن أميرالمؤمنين عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: ... و بنا يدفع [يرفع] الله الزمان الكلب... و لو قد قام قائمنا... و لذهبت الشحنة من قلوب العباد، و اصطلحت السباع و البهائم، حتى تمشي المرأة بين العراق إلى الشام لا تضع قدميها إلا على النبات، و على رأسها زينتها لا يهتجها سبع و لا تخافه. (صدوق، ۱۳۶۲ ش: ج ۲، ص ۶۲۶)

۴. عن أبي عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام حَكَمَ بِالْعَدْلِ، وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجُورُ، وَآمَنَتْ بِهِ السَّبِيلُ، وَأَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَرَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ، وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يَظْهَرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرَفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سَبْحَانَهُ يَقُولُ: وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ. (مفيد، ۱۳۷۲ ش: ج ۲، ۳۸۴)

حق و امنیت گسترده برای مردم و نیز فراهم شدن زمینه‌های عبودیت خالص الهی تأکید شده است که همان مواردی است که در آیه ۵۵ سوره نور به عنوان وعده‌های الهی به مؤمنان صالح داده شده است. بنابراین روایات فوق و نیز روایات ذیل آیه ۵۵ سوره نور، به روشنی گویای این حقیقت است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان موعود الهی است که آرمان‌های انبیاء و غایات و اهداف الهی از آفرینش را تحقق خواهد بخشید و با این بیان می‌توانیم ادعا کنیم که آیه ۵۵ سوره نور از آیاتی است که از دولت موعود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفته و نسبت به آن بشارت داده است.

بنابراین دو هدف عمده برای بعثت انبیاء در قرآن کریم، عدالت‌گستری و عبودیت و بندگی خداست که همین دو هدف به روشنی در قیام و انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان گردیده است؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که مهدویت، ثمره اهداف انبیاء الهی است. به بیان دیگر تفکر مهدویت در اسلام نتیجه هدف مند بودن بعثت انبیاء در دیدگاه قرآن است. به عبارت دیگر آن چه قرآن از عبودیت و بندگی و نیز عدالت و ابعاد مختلف آن فرموده و آن را به عنوان اهداف بزرگ انبیاء الهی و نیز مطالبات فطری بشر معرفی کرده است، تنها در قالب حاکمیت مطلق ولی الهی و حجت حق، عملی و اجرایی خواهد شد و این‌گونه بیان به معنی ترسیم مهدویت در قرآن در قالب اهداف و برنامه‌هاست.

#### مهدویت ترسیم حکومت جهانی اسلام

اثبات مهدویت از منظر قرآن بیان دیگری هم دارد و آن عبارت است از تبیین حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان همان چشم‌انداز قرآن نسبت به فراگیری اسلام در زمین. به عبارت دیگر آن چه شیعه به عنوان مهدویت از آن یاد می‌کند و به آن معتقد است همان نوید بزرگ قرآن به حکومت جهانی اسلام است. از نظر قرآن و به گواهی آیات متعدد آن، اسلام، روزی همه جهان را فراخواهد گرفت؛ این وعده خدا و تقدیر حتمی اوست. از سوی دیگر، در چشم‌انداز آینده جهان حکومت بر حقی که جهان را فرا بگیرد جز حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود ندارد و همه مسلمین بر اساس پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله به این حکومت جهانی عدل اعتقاد دارند؛ بنابراین وعده قرآن مبنی بر حاکمیت جهانی اسلام منطبق بر عقیده اسلامی مهدویت است. لازم است درباره تطبیق آن بشارت قرآنی بر این عقیده اسلامی شواهدی را ارائه کنیم.

#### بشارت قرآن به جهانی شدن اسلام

قرآن کریم در آیات بسیاری خبر داده است که اسلام در نهایت جهان را خواهد گرفت و بر

همه ادیان غالب خواهد شد؛ از جمله آنها آیه اظهار است که به بررسی اجمالی آن می‌پردازیم:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾  
(توبه: ۳۳).<sup>۱</sup>

گفتنی است که این بشارت با همین عبارت در سوره صف آیه ۹ و نیز در سوره فتح آیه ۲۸ آمده است که این تکرار، تأکید مضاعف بر تحقق قطعی مفاد آیه شریفه است.

### بررسی مفهوم غلبه در آیه

درباره این که مراد از غلبه اسلام بر سایر ادیان چیست و در چه زمانی خواهد بود، در میان مفسران اختلاف است ولی از شواهد و قرائن موجود در این آیه و نیز روایات ذیل آن و نیز آیات دیگر قرآن،<sup>۲</sup> معلوم می‌شود که مراد از این بشارت، وعده خداوند به جهانی شدن اسلام و پیروزی قطعی و حاکمیت کامل آن بر همه ادیان است که این امر در روزگار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

معنای آیه [درفراز] ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ [این است که تا دین اسلام را به وسیله حجت و [نیز] غلبه و سلطه [عینی و خارجی] بر تمام ادیان پیروز گرداند... و ضحاک گفته: منظور زمان نزول عیسی بن مریم علیه السلام است که تمام پیروان ادیان مسلمان شوند یا خراج و جزیه دهند. و امام باقر علیه السلام فرمود: این جریان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام از آل محمد علیهم السلام است که احدی روی زمین باقی نماند جز آن که به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اعتراف کند و همین قول را سدی نیز اختیار کرده است و کلبی گفته: دینی و آئینی در دنیا باقی نخواهد ماند جز آن که اسلام بر آن پیروز خواهد شد و این [وعده الهی] تاکنون رخ نداده است ولی در آینده قطعاً تحقق خواهد یافت و قیامت برپا نشود تا این امر واقع شود...<sup>۳</sup>

۱. او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناراحت باشند.

۲. از جمله آیه ۵۵ سوره نور که در ادامه توضیح داده می‌شود.

۳. معناه ليعلي دين الإسلام على جميع الأديان بالحجة والغلبة والقهر لها حتى لا يبقى على وجه الأرض دين إلا مغلوباً ولا يغلب أحد أهل الإسلام بالحجة و هم يغلبون أهل سائر الأديان بالحجة و أما الظهور بالغلبة فهو أن كل طائفة من المسلمين قد غلبوا على ناحية من نواحي أهل الشرك و لحقهم قهر من جهتهم و قيل أراد عند نزول عيسى بن مريم عليه السلام لا يبقى أهل دين إلا أسلم أو أدى الجزية عن الضحاک و قال أبو جعفر عليه السلام إن ذلك يكون عند خروج المهدي من آل محمد فلا يبقى أحد إلا أقر بمحمد و هو قول السدي و قال الكلبي لا يبقى دين إلا ظهر عليه الإسلام و سيكون ذلك و لم يكن بعد و لا تقوم الساعة حتى يكون ذلك و قال المقداد بن الأسود سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول لا يبقى

و در تفسیر نمونه اطلاق موجود در آیه و نیز استعمال کلمه اظهار در معنای غلبه بیرونی در موارد مشابه از آیات را، شاهدی بر اراده غلبه ظاهری در آیه مورد بحث دانسته و این‌گونه آیه را تفسیر کرده است:

بعضی این پیروزی را تنها پیروزی منطقی و استدلالی دانسته‌اند و می‌گویند این موضوع حاصل شده است... ولی بررسی موارد استعمال ماده اظهار در قرآن نشان می‌دهد که این ماده بیشتر به معنی غلبه جسمانی و قدرت ظاهری آمده است مانند ﴿إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ﴾<sup>۱</sup> و نیز ﴿كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا تَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا لَ ذِمَّةً﴾<sup>۲</sup> بدیهی است غلبه در این موارد، غلبه عملی و عینی است. به هر حال صحیح‌ترین این است که پیروزی و غلبه فوق را، غلبه همه جانبه بدانیم زیرا با مفهوم آیه که از هر نظر مطلق است نیز سازگارتر می‌باشد؛ یعنی روزی فرا می‌رسد که اسلام هم از نظر منطق و استدلال و هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش: ج ۷، ۳۷۱-۳۷۲)

قرینه دیگر که در مفاد آیه شریفه نهفته است این که چیرگی اسلام از نظر منطق و استدلال از ابتدای طلوع اسلام بوده و از همان آغاز، کلمه توحید در دل مردم نفوذ می‌کرده است و چون کفار و مشرکان در برابر منطق برتر و غالب اسلام ناتوان بودند به پیامبر اسلام ﷺ نسبت‌های ناروایی مانند کاذب و ساحر و شاعر و مجنون می‌دادند تا بدین وسیله از نفوذ کلمه اسلام و پیامبر ﷺ جلوگیری کنند و مردم را از پیرامون پیامبر ﷺ دور کنند. این در حالی است که آیه مورد بحث در هر سه مورد نزولش، مربوط به اواخر عهد رسالت است<sup>۳</sup> و این که در این ظرف زمانی قرآن کریم به غلبه منطق اسلام بر سایر ادیان بشارت دهد بی‌معناست بلکه باید این بشارت الهی نسبت به غلبه عینی و پیروزی خارجی و سلطه همه جانبه اسلام باشد؛ امری که تحقق آن در آینده (و نه هنگام نزول آیات) مورد انتظار است.

#### دیدگاه مفسران اهل سنت

فخر رازی در تفسیر آیه اظهار و معنای مقصود از غلبه، سه معنا را محتمل دانسته و در

علی ظهر الأرض بیت مدر و لا وبر إلا أدخله الله كلمة الإسلام إما بعزیز و إما بذل ذلیل إما یعزهم فیجعلهم الله من أهله فیعزوا به و إما یذلهم فیدینون له. (طبرسی، ۱۴۰۶ ق: ذیل آیه ۳۳ سوره توبه)

۱. اگر آنها بر شما غالب شوند سنگسارتان می‌کنند. (کهف: ۲۰)

۲. هرگاه آنها بر شما چیره شوند نه ملاحظه خویشاوندی و قرابت را می‌کنند و نه عهد و پیمان را. (توبه: ۸)

۳. سوره صف، صد و یازدهمین و سوره فتح، صد و دوازدهمین و سوره توبه صد و چهاردهمین سوره نازل شده است.

(علوم قرآنی، ۷۵)

نهایت معنای استیلای خارجی را اختیار می‌کند. او می‌نویسد:

این ظهور (یا) به حجت است یا به وفور و کثرت یا به غلبه و استیلا؛ و چون آیه در مقام بشارت است باید به امری در آینده بشارت دهد که تاکنون حاصل نشده است در حالی که حجت و کثرت دین اسلام در هنگام نزول آیه مشخص و معلوم بود پس باید غلبه و استیلایی در آینده صورت پذیرد که تاکنون محقق نشده است. (فخر رازی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۶، ۳۲)

طبری غلبه بر ادیان را به معنای ابطال همه ادیان جز اسلام دانسته و گفته این در هنگام نزول عیسی عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۶، ۶۹). چنان‌که ماتریدی در وجه دوم از معانی اظهار در تفسیر این آیه آورده است:

... یعنی اسلام بر اهل همه ادیان غالب می‌شود تا آن‌جا که اهل اسلام پیروز و غالب خواهند شد... و آن در وقت خروج عیسی عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود که همه اهل ادیان اهل یک دین خواهند شد و آن اسلام است. (الماتریدی، ۱۴۲۶ق: ج ۵، ۳۶۰)

سخن این دو مفسر بزرگ عامه اولاً تأیید آن است که مراد از اظهار در آیه غلبه خارجی و سلطه کامل اسلام است و ثانیاً این امر تحقق نیافته و در آخر الزمان رخ خواهد داد. چنان‌که مشابه این بیان را قرطبی در تفسیر خود بر این آیه آورده و تصریح می‌کند که نزول عیسی عَلَيْهِ السَّلَام هنگام خروج حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود. او چنین می‌نویسد:

ابوهریره و ضحاک گفته‌اند این (غلبه دین بر ادیان دیگر)، هنگام نزول عیسی عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود و سدی گفته: آن، هنگام قیام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود؛ (آن‌گاه) کسی نمی‌ماند جز این که مسلمان خواهد شد. (قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۸، ۱۲۲)<sup>۱</sup>

گفتنی است که قرطبی در ادامه این سخن به شخصیت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام پرداخته و می‌نویسد: گفته شده است که مهدی عَلَيْهِ السَّلَام همان عیسی عَلَيْهِ السَّلَام است ولی این صحیح نیست زیرا روایات صحیح به تواتر می‌گویند که مهدی از عترت رسول خداست پس جایز نیست که به عیسی عَلَيْهِ السَّلَام حمل شود و حدیثی که وارد شده که مهدی جز عیسی نیست صحیح نیست. (همو)<sup>۲</sup>

۱. قال أبو هريرة والضحاك: هذا عند نزول عيسى عَلَيْهِ السَّلَام وقال السدي: ذاك عند خروج المهدي، لا يبقى أحد إلا دخل في الإسلام.

۲. وقيل: المهدي هو عيسى فقط وهو غير صحيح لان الاخبار الصحاح قد تواترت على أن المهدي من عتره رسول

و سیوطی نیز از بزرگان عامه روایتی را از جابر نقل کرده است که مطابق آن، اظهار به معنای فراگیری اهل اسلام و نابودی پیروان سایر ادیان از جمله یهود و نصاری گرفته شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۲۳۱)<sup>۱</sup>

گفتنی است که مفسران بزرگ دیگری مانند ثعلبی (۱۴۲۲ق: ج ۵، ۳۵)، ابن ابی حاتم (۱۴۱۹ق: ج ۶، ۱۷۸۶)، ابن جوزی (۱۴۲۲ق: ج ۳، ۲۹۰) و ابوحیان اندلسی (۱۴۲۰ق: ج ۵، ۳۴) اظهار را به معنای غلبه ظاهری و حاکمیت اسلام بر همه ادیان و نابودی اهل سایر ادیان دانسته‌اند و بیشتر آنها معتقدند که این امر در زمان نزول عیسی علیه السلام خواهد بود.

### دیدگاه معصومین علیهم السلام درباره آیه

در روایات متعدد از معصومین علیهم السلام نیز غلبه در آیه شریفه مورد بحث، به معنای غلبه نهایی و حاکمیت کامل اسلام دانسته شده است که هرگونه تردید را در این مسئله از بین می‌برد.

برخی از این روایات را نقل می‌کنیم:

**یک:** امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود:

به خدا سوگند تاویل این آیه هنوز نازل نشده است و تاویل آن نخواهد آمد مگر آن‌گاه که قائم عجل الله تعالی فرجه ظهور کند. پس وقتی او قیام کند، هیچ کافر و مشرکی نسبت به خدا و امام نمی‌ماند مگر این که از ظهور او نگران و ناراحت خواهد بود به گونه‌ای که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی (پنهان) باشد آن سنگ خبر می‌دهد که ای مؤمن در دل من کافری وجود دارد مرا بشکن و او را بکش.<sup>۲</sup>

**دو:** امام علی علیه السلام درباره آیه فوق (از اصحاب خود) پرسید:

آیا اسلام بر سایر ادیان غلبه یافته؟ گفتند: آری. فرمود: هرگز (چنین نشده است) قسم به

۱. الله تبارک و تعالی، فلا يجوز حمله على عيسى . والحديث الذي ورد في أنه (لا مهدي إلا عيسى) غير صحيح .  
 ۱. أخرج سعيد بن منصور و ابن المنذر و البيهقي في سننه عن جابر رضي الله عنه في قوله لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ قَالَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى لَا يَبْقَى يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ صَاحِبَ مِلَّةٍ إِلَّا الْإِسْلَامَ حَتَّى تَأْمَنَ الشَّاةُ الذَّنْبُ وَ الْبَقْرَةُ الْأَسَدُ وَ الْإِنْسَانُ الْحَيَّةُ وَ حَتَّى لَا تَقْرُضَ فَأَرَةَ جَرَابًا وَ حَتَّى تَوْضَعَ الْجَزِيَّةَ وَ يَكْسِرَ الصَّلِيبَ وَ يَقْتُلَ الْخَنزِيرَ وَ ذَلِكَ إِذَا نَزَلَ عِيسَى بِنَ مَرْيَمَ علیهم السلام.

۲. عن أبي بصير، قال: قال أبو عبد الله علیه السلام، في قوله عز وجل: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. قال: «و الله ما نزل تأويلها بعد، و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم علیه السلام، فإذا خرج القائم علیه السلام لم يبق كافر بالله العظيم و لا مشرك بالإمام إلا كره خروجه حتى لو كان كافراً أو مشرك في بطن صخرة، قالت: يا مؤمن، في بطني كافر فاكسرنى و اقتله». (عروسى حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۱۰۸ ذیل آیه). (تعبیر مشرک بالامام به معنی مخالفت با امام است که در روایات در حد شرک شمرده شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۹۶)

خدایی که جانم در دست اوست (چنان اسلام زمین را فرا خواهد گرفت) که روستایی نمی‌ماند مگر این که در آن هر صبح و شام به کلمه توحید و رسالت پیامبر اکرم ﷺ ندا داده می‌شود.<sup>۱</sup>

سه: راوی گوید:

از امام کاظم علیه السلام درباره آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ»، پرسیدم؛ امام علیه السلام فرمودند: (یعنی) اوست خدایی که رسولش را مأمور کرد تا ولایت را به وصیش بسپارد و ولایت همان دین حق است. گفتم: مراد از «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» چیست؟ فرمود: دین حق را بر همه ادیان چیره خواهد ساخت آن‌گاه که قائم عجل الله تعالی فرجه الموعود قیام کند.<sup>۲</sup>

چهار: از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمود:

از ما دوازده نفر مهدی خواهد بود که نخستین آنان امام علی علیه السلام و آخرین ایشان نهمین نفر از فرزندان من است. او امامی است که به حق قیام می‌کند. خداوند به واسطه او زمین را زنده می‌کند بعد از مرگش و به واسطه او پیروز می‌کند دین حق را بر همه ادیان؛ هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند. برای او غیبتی است که گروهی در آن مرتد شده و گروه دیگر بر دین ثابت و استوار می‌مانند...<sup>۳</sup>

از دقت در روایات فوق به دست می‌آید که امامان معصوم علیهم السلام واژه اظهار در آیه ۳۳ سوره توبه را به معنی غلبه بیرونی و سلطه خارجی گرفته‌اند.

بنابراین آیه شریفه طبق تفسیر ائمه علیهم السلام نیز به معنی حکومت جهانی اسلام است که در راستای همان روایاتی است که از حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الموعود در آخرالزمان خبر داده است.

۱. عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال أظهر ذلك بعد قالوا نعم قال كلاً فوالذي نفسي بيده حتى لا يبقى قرية إلا وتنادي بشهادة أن لا إله إلا الله و محمد رسول الله صلى الله عليه وآله بكره و عشياً. (فيض كاشاني، ۱۴۱۵ق: ذیل آیه)

۲. عن محمد بن الفضيل، عن أبي الحسن الماضي عليه السلام، قلت: هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق؟ قال: «هو الذي أمر رسوله بالولاية لوصيه، و الولاية هي دین الحق». قلت: ليظهره على الدین كله؟ قال: «يظهره على جميع الأديان عند قيام القائم عليه السلام (كليني، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۴۳۱). گفتم: است که علاوه بر این روایات، روایات دیگری نیز در تفسیر البرهان ذیل همین آیه آمده است و استناد ما به روایات اهل بیت علیهم السلام برای فهم درست آیه به این دلیل است که طبق بیان رسول خدا صلى الله عليه وآله در حدیث ثقلین ایشان همتای قرآن و معصوم از خطایند و سخن ایشان حجت است.

۳. عن الامام الحسين عليه السلام منا اثنا عشر مهدياً أو لهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام و آخرهم التاسع من ولدي، و هو القائم بالحق، يحيي الله تعالى به الأرض بعد موتها و يظهر به دین الحق على الدین كله و لو كره المشركون له غيبة يرتد فيها قوم و يثبت على الدین فيها آخرون...



### وعده استخلاف مسلمانان و حاکمیت ایشان

موارد دیگری از آیات نیز وجود دارد که فهم درست آن، ما را به بشارت قرآن نسبت به حاکمیت نهایی اسلام در آینده بشارت می‌دهد که با روایات مربوط به حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه کاملاً هماهنگ است. یکی از آن آیات و از مهم‌ترین و صریح‌ترین آنها آیه ۵۵ سوره نور است که به اختصار درباره آن بحث می‌کنیم.

مسلمانان پس از یک دوره محرومیت و استضعاف در مکه به مدینه هجرت کردند و به این وسیله در زندگی آنها گشایشی پیدا شد و از ظلم مشرکان قریش و اذیت و آزار مستقیم آنها رهایی یافتند ولی در همان زمان نیز مورد تعرض مشرکان بوده و جان و مال ایشان در خطر حمله مشرکان بود و جنگ‌های متعددی بر آنها تحمیل شد چنان‌که این تهدیدها پس از آن و تا امروز برای مسلمانان در مناطق مختلف زمین وجود داشته و دارد. اما قرآن کریم به طور خاص آینده‌ای را به مسلمین بشارت داده است که در آن از حکومتی فراگیر در زمین بهره‌مند خواهند شد و دین اسلام جهان را خواهد گرفت و مسلمانان در امنیتی کامل و همه‌جانبه زندگی خواهند کرد:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵)؛

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترس‌شان امنیت را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را شریک من نکنند، و هر کس بعد از این، کفر ورزد پس آنان همان فاسقانند.

### توضیح و تفسیر مفاد آیه از دیدگاه مفسران فریقین

در شأن نزول این آیه گفته‌اند:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان به مدینه هجرت کردند و انصار با آغوش باز آنها را پذیرا گشتند، تمامی عرب بر ضد آنها قیام کردند و آن چنان بود که آنها ناچار بودند اسلحه را از خود دور نکنند، شب را با سلاح بخوابند و صبح با سلاح برخیزند (و حالت آماده‌باش دائم داشته باشند) ادامه این حالت بر مسلمانان سخت آمد، بعضی این مطلب را آشکارا گفتند که تا کی این حال ادامه خواهد یافت؟ آیا زمانی فرا خواهد رسید که ما با خیال

آسوده، شب استراحت کنیم و اطمینان و آرامش بر ما حکم فرما گردد، و جز از خدا از هیچ‌کس نترسیم؟ آیه فوق نازل شد و به آنها بشارت داد که آری چنین زمانی فرا خواهد رسید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش: ج ۱۴، ۵۲۷)

این بیان را بسیاری از مفسران شیعه و سنی مانند طبرسی (۱۴۰۶ ق ب: ج ۷، ۲۳۹) و سید قطب (۱۴۲۵ ق، ج ۴، ۲۵۲۹) و قرطبی (۱۴۰۵ ق: ج ۱۲، ۲۹۷) و سیوطی (۱۴۰۴ ق: ج ۵، ۵۵) (با اندکی تفاوت) در تفاسیر خود آمده‌اند.

### دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌اللهیه

اما علامه طباطبایی رحمته‌اللهیه با نگاهی عمیق تر و دقت و تأمل بیشتر در آیه شریفه به نکات دقیق‌تری دست یافته و زوایای گوناگون آیه را چنین بیان کرده است:

این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنانی که عمل صالح هم دارند که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دین‌شان را در زمین متمکن می‌سازد، و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری‌های‌شان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند، و چیزی را شریک او قرار ندهند... و مراد از خلافت ارث دادن زمین به ایشان و مسلط کردن آنان بر زمین است هم‌چنان‌که در این معنا فرموده: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸) و نیز فرموده: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵).

... و تمکین دین عبارت است از این‌که آن را در جامعه مورد عمل قرار دهد، یعنی هیچ کفری جلوگیری نشود، و امرش را سبک نشمارند، اصول معارفش مورد اعتقاد همه باشد، درباره آن اختلاف و تخصمی نباشد و مراد از دین ایشان، آن دینی که برایشان پسندیده، دین اسلام است و در جمله «و لِيُبَيِّنَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»، مراد از خوف، آن ترسی است که مؤمنین صدر اسلام از کفار و منافقین داشتند...

و مفسران در معنی جمله «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و مراد از آن اختلاف زیادی کرده‌اند... ولی آن‌چه از سیاق آیه شریفه به نظر می‌رسد این است که بدون شک آیه شریفه درباره بعضی از افراد امت است نه همه امت و نه اشخاص معینی از امت، و این افراد عبارتند از کسانی که مصداق «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» بوده باشند، و آیه نص در این معنا است... و مراد از استخلاف آنان در زمین نظیر استخلاف نیاکان و امم گذشته این است که اجتماعی صالح از آنان تشکیل دهد، که زمین را ارث ببرند، آن‌طور که نیاکان و امم گذشته صاحبان قوت و شوکت ارث بردند... و مراد از تمکین دین مرضی آنان در زمین- همان‌طور که گذشت- این است که دین پسندیده ایشان را پای بر جا

بدارد، به طوری که اختلاف‌شان در اصول، و سهل‌انگاری‌های‌شان در اجرای احکام، و عمل به فروع آن، دین آنان را متزلزل نسازد، و همواره اجتماع‌شان از لکه نفاق پاك باشد... و مراد از تبدیل خوف‌شان به امنیت این است که امنیت و سلام بر مجتمع آنان سایه بیفکند، به طوری که نه از دشمنان داخلی بر دین و دنیای خود بترسند، و نه از دشمنان خارجی، نه از دشمنی علنی، و نه پنهانی. و این که بعضی از مفسرین گفته‌اند مراد تنها ترس از دشمنان خارجی است، هم چنان که همه ترس مسلمانان صدر اول از کفار و مشرکین بود، که می‌خواستند نور خدا را خاموش ساخته و دعوت حقه دین را باطل سازند حرف صحیحی نیست و دلیلی بر گفتار خود ندارند، چون لفظ آیه مطلق است و هیچ قرینه‌ای که مدعای آنان را اثبات کند در آن نیست، علاوه بر این آیه شریفه در مقام امتنان است، و این چه منتهی است که خدا بر جامعه‌ای بگذارد که دشمن خارجی را بر آنان مسلط نکرده، در حالی که داخل آن جامعه را فساد احاطه کرده باشد، و از هر سو بلاهای گوناگون آن جامعه را تهدید کند، نه امنیتی در جان خود داشته باشند، و نه در عرض و نه در مال... و مرادش از این که فرمود: خدای را عبادت می‌کنند و چیزی را شریک او نمی‌گیرند همان معنایی است که لفظ به طور حقیقت بر آن دلالت کند، و آن عبارت است از این که اخلاص در عبادت عمومیت پیدا کند و بنیان هر کرامتی غیر از کرامت تقوی منهدم گردد... .

آن چه از همه مطالب بر آمد این شد که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای برای‌شان تکوین می‌کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد، و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاك باشد... و دنیا از روزی که پیامبر ﷺ مبعوث به رسالت گشته تاکنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد... (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ذیل آیه شریفه با تلخیص)

### روایات تفسیری ذیل آیه

در تأیید تفسیر علامه طباطبایی رحمته الله علیه و سایر مفسران می‌توان به روایات ذیل این آیه هم توجه کرد که مصداق آیه شریفه را زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه بیان کرده است:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

(این آیه) درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الیه و یارانش نازل شده است.<sup>۱</sup>

۱. عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام، في قوله: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا، قال: «نزلت في القائم وأصحابه». (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۴۰) و در روایت دیگری فرمودند: این آیه

و نیز امام سجاد علیه السلام این آیه را تلاوت کرده و فرمود:

به خدا قسم آنها شیعیان ما هستند که خداوند به دست مردی از ما که مهدی این امت است، این وعده‌ها را در باره آنها انجام می‌دهد. و او همان کسی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره او فرمود: اگر از دنیا جز يك روز نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌سازد تا مردی از عترت من که هم‌نام من است، زمامدار شود و زمین را بعد از آن که پراز ظلم و جور شده، پراز عدل و داد کند. (طبرسی، ۱۴۰۶ ق ب: ج ۷، ۲۳۹)<sup>۱</sup>

نظیر همین روایت از امام باقر و امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است. (همو) مرحوم طبرسی پس از نقل این روایات می‌گوید:

با توجه به این روایات، مراد از «الذین امنوا و عملوا الصالحات» پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او هستند و آیه در بردارنده بشارت به استخلاف ایشان و قدرت آنها در بلاد است و این که خوف از ایشان مرتفع خواهد شد آن‌گاه که مهدی ایشان قیام کند... و بر این است اجماع عترت پاک و اجماع ایشان حجت است به دلیل سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: من بین شما دو چیز می‌گذارم کتاب خدا و عترتم اهل بیتم و این دو از یک‌دیگر جدا نمی‌شوند تا بر من در حوض وارد شوند و نیز (شاهد بر این قول آن است که) تمکین در زمین به نحو مطلق در گذشته رخ نداده است پس باید در آینده رخ دهد زیرا که خداوند خلاف وعده خود را انجام نمی‌دهد. (همو: ۲۴۰)

با توجه به آن‌چه در توضیح آیات فوق گذشت، ثابت شد که مهدویت و حکومت جهانی اسلام دو روی یک سکه‌اند و مهدویت در واقع همان ترسیم حکومت جهانی اسلام است که در قرآن به صراحت تبیین شده است و به بیان دیگر، خداوند متعال با تبیین حکومت جهانی اسلام به دنبال توصیف حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الترتیب بوده است.

### نتیجه‌گیری

آن‌چه گذشت نگاه کلی و جامع قرآن به مسئله مهدویت بود که از خلال بررسی آیات مربوط

(تا عبارت من قبلهم) درباره علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان از فرزندان نازل شده است و درباره ادامه آیه که فرموده است: «ولیمکنن لهم دینهم... لایشركون» فرمودند: مقصود از این بخش آیه، ظهور قائم علیه السلام است. (قمی مشهدی، ۱۳۶۲ ش: ج ۹، ۳۳۹)

۱. روی العیاشی باسناده عن علی بن الحسین علیه السلام أنه قرأ الآية، و قال: هم والله شیعتنا، أهل البيت يفعل الله ذلك بهم علی یدی رجل متأ. و هو مهدی هذه الأمة و هو الذي قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لو لم یبق من الدنيا إلا یوم، لطول الله ذلك الیوم، حتی یلی رجل من عترتی، اسمه اسمی، یملا الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً. و روی مثل ذلك عن أبي جعفر و أبي عبدالله علیه السلام.

به آینده جهان و فرجام نیک مؤمنان و عاقبت شوم ظالمان و مستکبران و نیز تجزیه و تحلیل سنت‌های خداوند مبنی بر نجات نهایی مظلومان و مستضعفان طرح گردیده بود. با این بیان معلوم شد که مهدویت در آیات فراوانی از قرآن بیان گردیده است و این دسته از آیات تنها با وجود امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در آخرالزمان و قیام و انقلاب جهانی او قابل تفسیر است؛ بنابراین می‌توان گفت که مهدویت در قرآن کریم به اشاره و در ضمن آیات مذکور مطرح شده است.

## منابع

## قرآن کریم

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: اسعد محمد، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۱۹ق.
- ابن میثم بحرانی، *شرح نهج البلاغه*، بیروت، دارالثقلین، اول، ۱۴۲۰ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن محمد، *زاد المسیر*، به کوشش: عبدالرزاق، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش: شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، *البحر المحیط*، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۲۰ق.
- بحرانی، سیدهاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، *تفسیر ثعلبی (الکشف والبیان)*، به کوشش: ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- سید قطب، ابراهیم حسینی، *فی ظلال القرآن*، قاهره، دارالشروق، ۱۴۲۵ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، اول، ۱۴۰۴ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین بن موسی، *نهج البلاغه*، بی جا، بی نا، بی تا.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، بی جا، نشر کوثر، سوم، ۱۴۳۰ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، اول، ۱۳۶۲ش.
- \_\_\_\_\_، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران، اسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ق.
- \_\_\_\_\_، *امالی*، بیروت، اعلمی، پنجم، ۱۴۰۰ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
- \_\_\_\_\_، *جوامع الجامع*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۶ق الف.
- \_\_\_\_\_، *مجمع البیان*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق ب.

- طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- فخر رازی، محمدبن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.
- فیض کاشانی، ملامحسن، الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، صدر، ۱۴۱۵ق.
- قرطبی، محمدبن احمد، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: الجزائری، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، دوم، ۱۴۲۸ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، تهران، اسلامیه، دوم، ۱۳۶۳ش.
- محمد، محمدبن، تأویلات اهل السنة (تفسیر الماتریدی)، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۲۶ق.
- معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۱ش.
- مفید، محمدبن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، دارالمفید، اول، ۱۳۷۲ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۵ش.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبه، تحقیق: فارس حسون، قم، انوار الهدی، اول، ۱۴۲۲ق.

